

نوآوری در کسب و کار

دکتر حیدری - ریاست کلینیک مشاوره کارآفرینی (دکترای مدیریت تولید انبوه)

اشاره:

کلینیک مشاوره کارآفرینی دانشگاه تهران با همکاری شهرداری تهران و وزارت کار و امور اجتماعی در اسفند ماه ۸۶ تاسیس گردید این مرکز از یکسو با افراد، نگاههای کارآفرینی و دانشجویان و ازسوی دیگر با هیات علمی دانشگاه در ارتباط است و هدف از تاسیس آن شناخت قابلیت‌های افراد و فراهم آوردن زمینه های علمی جهت رشد و گسترش کارآفرینی و نیز افزایش مهارت ها و در نهایت ایجاد کسب و کار برای کارآفرینان در بستر مشاوره می باشد این کلینیک همچنین درجهت آشنایی شهروندان با فضای کسب و کار در مراحل مقدماتی به صورت رایگان به ارائه خدمات مشاوره می پردازد.

دکتر حیدری ریاست کلینیک مشاوره دانشگاه تهران هدف از تاسیس این کلینیک را گسترش تواناییهای افراد از حیث دانش، بینش و مهارت و رفع نیازهایشان در این زمینه عنوان کرده و به ارائه مطالبی جهت آشنایی بیشتر با این مرکز پرداخته که از نظر تان می گذرد:

- کلینیک مشاوره از چه زمانی آغاز به کار نموده و با چه هدفی تاسیس شده است؟ کلینیک مشاوره کارآفرینی به عنوان یکی از ابزارهایی است که در قالب فعالیت‌های کارآفرینی دانشگاه‌ها شکل گرفته است. علت استفاده از نام کلینیک برای حل مسئله‌ای بود تا کارآفرینان و افرادی که نیازمند توسعه توانایی‌های (بینش، دانش، مهارت) هستند فضای مجازی یا فیزیکی در اختیار داشته باشند تا برای تأمین نیازها به آن مراجعه کنند. کلینیک با این هدف تاسیس شد و مشاوره تنها یکی از برنامه های آنست. حتی دانشگاه‌های معتبر دنیا نیز فعالیت‌های زیادی در زمینه کارآفرینی دارند که بخش‌هایی از آن در مرکز کارآفرینی انجام می‌شود یکی از بحث‌های اصلی این مراکز، کلینیک مشاوره است. اگر چنین کلینیکی بتواند نقش درستی ایفا نماید می‌توان امیدوار بود که دانشگاه، کارآفرین شود. دانشگاه کارآفرین در قرن اخیر مطرح شده و این تفاوت دانشگاه‌های امروز با دانشگاه‌های گذشته است. آن تنها آموزش و پژوهش نیست و به توسعه منطقه‌ای کمک می‌نماید. در دانشگاه کارآفرین چند مرکز باید دایر شود که یکی از آنها مراکز کارآفرینی و دیگری مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری و سازمان‌ها یا نهادهای مشترک هستند. در تاسیس این کلینیک نیز همکاری دو جانبه‌ای میان

دانشگاه تهران و شهرداری تهران انجام گرفت که این رویکردی جدید است. با در نظر گرفتن چنین شرایطی، موضوعات زیادی در دانشگاه‌ها تغییر می‌کند و در راستای پاسخگویی به نیازهای جامعه پیش می‌رود. در واقع مسیر تکاملی دانشگاه و صنعت در مرحله بلوغ دانشگاه کارآفرین می‌افتد. در این دوره دانشگاه علاوه بر حل مسائل صنعت، فضایی را نیز برای رشد صنعت و دیگر شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی فراهم می‌کند. پس مجموعه فعالیت‌هایی که ما به عنوان کلینیک مشاوره انجام می‌دهیم بسیار متنوع است. در حقیقت به سه دسته از متقاضیان خدمات ارائه می‌دهیم. دسته اول شهروندان هستند و نوع سرویس ما به آنها مشاوره مقدماتی و آشناسازی آنها با فضای کسب و کار است که به صورت رایگان ارائه می‌شود. پس از این مرحله به ارائه خدمات تخصصی می‌پردازیم که گستره خدمات آن زیاد است. در واقع کلینیک حلقه واسط میان افراد نیازمند در محیط و اعضای هیأت علمی دانشگاه است.

دسته دوم افراد کارآفرین و بنگاه‌ها هستند که نیاز این دسته بسیار متنوع است. از ایده‌یابی تدوین کسب و کار، شروع فعالیت کسب و کار، رشد در فضای رقابتی تا پایداری و یافتن فضای کسب و کار از خدماتی است که به این گروه ارائه می‌شود. دسته سوم نیز اساتید و دانشجویان هستند ما باید زمینه‌ای برای این دسته از افراد فراهم آوریم تا آنها وارد فضای کسب و کار شوند. از برنامه‌های ما ایجاد مشاوره گروهی دانشگاهی، طراحی کارورزی در قالب حل مسئله و روش‌های مربیگری است. در مشاوره به روش مربیگری، فردی که دارای اطلاعات علمی و تجربه عملی است به عنوان مربی گروهی از دانشجویان انتخاب می‌شود. گروه بر روی مسئله‌ای که خودشان طرح کرده‌اند و یا بوسیله بنگاه‌های مطرح شده باشد تمرکز کرده و در قالب روش مربیگری افراد تربیت می‌شوند که چطور مسئله را حل کنند.

با توجه به اینکه صنعت در کشور ما از تکنولوژی‌های جدید بی‌بهره است و هماهنگی را میان اعضای هیات علمی و صنعت برقرار خواهید کرد؟

یکی از موضوعات ارتباط صنعت و دانشگاه نوآوری است. نقش دانشگاه به خصوص در اقتصاد دنیایی محور، بسیار زیاد است. هرچه فرآیند زندگی بشر پیش می‌رود، نقش دانش در فرآیندهای بشری بیشتر می‌شود و به طور طبیعی شکاف کمتر شده و دانشگاه نقش اول را در توسعه اقتصادی پیدا می‌کند. در چنین فضایی دانشگاه باید چندین نقش را در توسعه داشته باشد. جنبه علمی دانشگاه همان نوآوری‌های علمی است و باید

در اختیار زندگی بشر قرار گیرد. به علت شکاف تکنولوژی ما با جوامع پیشرفته دانشگاه‌ها وظیفه دارند این شکاف را پر کنند. دانشگاه باید با انجام تحقیقاتی در تکنولوژی‌های پیشرفته تجارت کمک کند. خوشبختانه در حال حاضر زمینه تحقیق در 'hightak' گسترش یافته با وجود اینکه در مراحل اولیه آن به سر می‌بریم.

از نظر شما آیا تحقیقات دانشگاه بر اساس نیاز صنعت شکل گرفته است؟

در رشته‌های خاص که اغلب فنی هستند این حرکت انجام شده است. اغلب مقالات ISI نیز در بخش‌های علوم پایه‌ای است و در بخش‌های علمی و کاربردی پرداخته نشده است. البته این شکاف ایجاد شده حاصل ۲۰۰ تا ۳۰۰ سال است و نمی‌توان به این زودی آن را برطرف نمود حتی نظام دانشگاهی ما در دوران جدید وارداتی است. پس همیشه شکاف میان جامعه و دانشگاه بوده و با توجه به مسیر حرکت فضای اقتصادی این شکاف به طور طبیعی در جهان کم خواهد شد.

در نهادهای غیرفنی مانند حوزه علوم اجتماعی، علوم رفتاری، علوم تربیتی، رشته‌های فرهنگی و ادبیات نیازهای زیادی وجود دارد که در اصل سوق دادن تحقیقات دانشگاهی به سوی این نیازها یکی از راهکارها و مأموریت‌های کلینیک است و ما در این راستا مشغول مذاکره با سازمان‌ها هستیم. از آنجایی که در کشور ما دولت در تمام زمینه‌ها نقش

عده‌ای برعهده دارد برای انجام هر فعالیتی باید از سازمان‌های دولتی شروع کنیم. در نتیجه با سازمان ملی جوانان، سازمان بهزیستی، کمیته امداد، وزارت کشور در حوزه زنان وارد مذاکره شدیم و برنامه‌ای را برای کارآموزی تدوین نموده‌ایم.

آیا با تشکیل مراکز کارآفرینی و کلینیک‌های مشاوره بدون حل شرایط جامعه، کارآفرینی اتفاق می‌افتد؟

ما به عنوان مراکز کارآفرینی ادعایی برای حل تمام مشکلات جامعه نداریم. حل مسائل جامعه نیاز به اراده جمعی دارد. به اعتقاد من یکی از اشکالاتی که به جامعه باز می‌گردد اینست که انتظاراتمان تنها از دولت است و این انتظارات سبب شده تا دولت در همه جا خود را دخالت دهد.

اگر دولت وارد هر فعالیتی شود، مشکلات حل نخواهد شد و مردم نیز اعتراض خواهند کرد. زیرساخت‌های نهادهای اجتماعی که فعالیت‌ها را نهادهای و مرزها را مشخص کند در کشور وجود ندارد، دولت به جای زیرساخت‌ها نقش ایفا می‌کند. پس از جنگ تحمیلی مسیر حرکت دولت به سوی کاهش دخالت در امور داخلی بوده است. اما به علت فشار و نیازهای اجتماعی، دولت به طور کامل بیرون نرفته است. البته بخشی از این مسئله نیز به عملکرد دولت‌مردان و فضای اجتماعی بازمی‌گردد. در کل باید گفت فضاهایی که کارآفرین نیاز دارد به قرار زیر است: ۱- فضای مشوق ۲- فضای آگاه‌سازی ۳- فضای تسهیل

آگاه‌سازی یا دانش بر عهده نهادهای آموزشی مانند آموزش و پرورش و وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، وزارت بهداشت و دیگر نهادهای است. پس ابتدا باید افراد را نسبت به فضای اجتماعی و کسب و کار آگاه نماییم و بنابراین نهادهای مربوطه وظیفه دارند تا افرادی را که از این سیستم‌ها خارج می‌شوند قانع نکنند تا قواعد زندگی را خوب درک کرده و نقش مناسب اجتماعی را برای خود تعریف کنند. در اینصورت فرد کارآفرین می‌شود. چالشی که برای اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهی به وجود آمده نشان دهنده عملکرد سیستم آموزشی کشور و بازنگری در نگاه به جامعه است. ضمن اینکه دانشگاه باید زمینه تولید تکنولوژی را در دانش فراهم نماید، نهادهایی که کسب و کار را تسهیل می‌کنند مانند بانک‌ها، که مجوزهای قانونی و... در اختیار دولت است. برای تأسیس یک شرکت باید وقت زیادی هدر داد به عنوان مثال یک پروژه برای بخش خصوصی ۳ سال است که در مرحله چانه‌زنی باقی مانده و حل نشده است. فرآیند ۳ ساله نشان‌دهنده مراحل ایجاد یک کسب و کار است. روان‌سازی یکی از ابزارهای مورد نیاز کارآفرینان است که ما به نهادهای تأمین‌کننده مانند بانک، وزارت صنایع و... و نهادهای مجوز دهنده کمک میکنیم تا آن را به وجود آورند.

مورد دیگر، مشوق‌هاست. باید افراد با استفاده از مشوق‌ها برای کارآفرینی ترغیب شوند. از جمله این مشوق‌ها اعطای وام با سود اندک، مشوق‌های مالیاتی، گمرکی و صناعی است. البته در این میان باید به مفهوم درستی از کارآفرین برسیم. کارآفرین فردی است که یک نیاز از نیازهای برآورده نشده جامعه را تشخیص داده و راه حل مناسب برای پاسخگویی به آن نیاز فراهم کرده و آن را برآورده

می‌سازد. باید با شناسایی چنین افرادی از هدر رفتن تسهیلات جلوگیری نمود. البته گاهی فضا و ریسک یک کسب و کار، مانع از موفقیت و پیشرفت افراد می‌شود. اما وظیفه دولت نیز کاهش ریسک سرمایه‌گذاری است. به جرات میتوان گفت در کشور برای این سه مورد هیچ مدیریتی انجام نشده است. وزارت کار که خود را متولی کارآفرینی می‌داند از

علاقه‌مند به کسب و کار با چنین مراکز آشنایی ندارند. در نتیجه، ادعایی نداریم که استقبال زیادی از این مراکز شده است. - به هر حال آشنایی با مراکز، نیازمند آگاهی و اطلاع‌رسانی است. در صورتیکه کلینیک سایت برای راه‌اندازی سایت اقدامات زیادی انجام دادیم و فعلاً در مرحله بازبینی سایت مرکز هستیم تا در

ما به عنوان مراکز کارآفرینی ادعایی برای حل تمام مشکلات جامعه نداریم. حل مسائل جامعه نیاز به اراده جمعی دارد. به اعتقاد من یکی از اشکالاتی که به جامعه باز می‌گردد اینست که انتظاراتمان تنها از دولت است و این انتظارات سبب شده تا دولت در همه جا خود را دخالت دهد. اگر دولت وارد هر فعالیتی شود، مشکلات حل نخواهد شد و مردم نیز اعتراض خواهند کرد. زیرساخت‌های نهادهای اجتماعی که فعالیت‌ها را نهادهای و مرزها را مشخص کند در کشور وجود ندارد، دولت به جای زیرساخت‌ها نقش ایفا می‌کند.

جنبه اشتغالزایی درگیر کارآفرینی شده است. در صورتیکه اشتغال یکی از محصولات کارآفرینی است. کارآفرینی پیچیدگی‌های زیادی دارد که وزارت کار نمی‌تواند همه آنها را برطرف کند. اگر نقشه درستی برای کارآفرینی ارائه شود و جایگاه همه سازمانها و نهادها مشخص شود انتظارات ما از کارآفرینی برآورده می‌شود.

شما از چندین طیف از افراد برای مراجعه به کلینیک نام بردید. آیا واقعاً این افراد به کلینیک مراجعه می‌کنند؟

کلینیک مشاوره و مراکز کارآفرینی در جامعه ما نوبا است. اگر در شهر تهران بررسی کنید خیلی از افراد کنار کلینیک، آموزش برای موفقیت و آموزش الکترونیک را به سایت افزوده و همچنین سایت وبزهای برای هر کدام در نظر بگیریم. اما با مراجعه به سایت مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران توضیحاتی در رابطه با مشاوره داده شده است. ما در حال حاضر به دنبال تأمین منابع مالی برای کلینیک و دانشگاه هستیم. زیرا تبلیغات نیازمند هزینه‌های سنگین است. تنها با یک هفته تیزر تلویزیونی می‌توان کلینیک را به مردم شناساند. یکی از اقدامات ما برای معرفی کلینیک، همکاری با وزارتخانه‌هاست تا افرادی که برای اقدامات اولیه به آنجا مراجعه می‌کنند با فعالیت‌های ما آشنا شوند که البته این

اقدامات در مرکز انجام می‌شود و کلینیک و مرکز کارآفرینی دانشگاه از یکدیگر جدا نیستند. یکی دیگر از طرح‌های ما برای آینده سیستم مشاوره پایدار است. در این طرح مشاوره به همراه یک مکان کسب و کار از مرحله ایده تا بلوغ است. این نوع مشاوره نیازمند یک برنامه استراتژیک برای رابطه پایدار است. راه دیگر سیستم عضویتی است که فرد تا زمانی که عضو کلینیک است از مشاوره بهره‌مند شود.

آیا طرحی برای تحقیق پیرامون شغل‌هایی که پتانسیل سرمایه‌گذاری در کشور دارند در نظر گرفته‌اید؟

این نوع تحقیق دارای چند بعد است. ابتدا مطالعات بسترهای فعالیت است که در این زمینه مطالعاتی انجام شده که البته نیازمند تفصیلی شدن است. این تحقیق نیازمند همکاری دانشگاه با نهادهای دولتی است.

بخش دیگر مطالعات کسب و کار است. بخش‌هایی از این نوع تحقیق در پژوهش‌های دانشگاهی به صورت موردی انجام می‌شود. وزارت صنایع، جهاد کشاورزی و بازرگانی نیز برخی از تحقیق‌ها را انجام دادند. اما دانشگاهها وظیفه شناسایی فضاهای کسب و کار را ندارند و تنها توانمندی آن را در بعد منابع انسانی دارا هستند که در پژوهش‌های دانشگاهی انجام می‌شود.

به عنوان سوال آخر به اعتقاد شما دانشکده کارآفرینی می‌تواند اقداماتی موثر برای کارآفرینی در کشور انجام دهد؟

با توجه به مطالعات و تجربیات کشورهای پیشرفته، شاخص‌های معرفی شده توسط دانشگاه‌های معتبر برای کارآفرینی اغلب مهارتی هستند. شاخص‌های مهارتی نیازمند بسترسازی است. در میان ۵۰ دانشگاه برتر کارآفرین، حوزه کسب و کار و مدیریت از یکدیگر جدا نیستند. کارآفرینی بخشی از تجارت است و در دانشگاه تهران دانشکده مدیریت این وظیفه را بر عهده دارد. در زمینه مهارت نیز مراکز کارآفرینی زمینه را برای نیروهای مجموعه پردیس‌ها و دانشکده‌های دانشگاه تهران باید فراهم سازند تا نیاز جامعه را پاسخگو باشد. اگر نیروها در قالب یک دانشکده نام برده شوند، توان کاهش می‌یابد. این در حالی است که کارآفرینی ماهیت یادگیری و تجربی دارد و جنبه آکادمیک مربوط به بعد دوم آن است. کارآفرینی مانند رشته ریاضی تئوری نیست ما می‌توانیم جدا از دانشکده مهندسی رشته مکانیک را تدریس کنیم اما دانشکده کارآفرینی را می‌توان در دانشکده مدیریت جای داد. زیرا کارآفرینی بحث‌های بازاریابی، منابع انسانی، رفتار سازمانی، عملیات تولید، عملیات لجستیک و مالی و... را شامل می‌شود که دانشکده مدیریت نیز چنین مباحثی را دارا می‌باشد. اگر دانشکده مدیریت قوی نیست پس باید آن را تقویت نمود. دانشکده کارآفرینی باید در فضای همکاری با مرکز کارآفرینی به فعالیت بپردازد که این امر تنها با نگاه آکادمیک موفق آمیز نخواهد بود.

